

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به سوال

مذاکرات خاننانه میان لبنان و رژیم یهود

(ترجمه)

سوال:

در واشنگتن، مذاکراتی میان سفیران لبنان و رژیم یهود انجام شد و این اقدام به عنوان آغاز مذاکرات صلح لبنان تلقی گردید، همزمان، آتش‌بسی دهم‌روزه برقرار شد که سپس توسط ترامپ در تاریخ 2026/4/24م به سه هفته تمدید گردید. با وجود این، رژیم یهود همچنان بر شدت تجاوزات خود می‌افزاید؛ چنان‌که ارتش اشغالگر اعلام کرد در شب گذشته سلسله‌ای از حملات هوایی را اجرا نموده که بیش از پنجاه هدف را در جنوب لبنان مورد هدف قرار داده است (الجمهور، 2026/5/2). آیا هدف از این روند همان چیزی است که ترامپ از آن به عنوان «صلح از طریق قدرت» یاد می‌کند؟ و چگونه حاکمان لبنان این مذاکرات خاننانه را می‌پذیرند؛ مذاکراتی که به صورت علنی، نه پنهانی، از سوار شدن بر قطار عادی‌سازی روابط حکایت دارد؟ لطفاً ما را جواب دهید؛ با سپاس و قدردانی.

جواب: برای جواب به این سوال‌ها، موارد زیر را بررسی می‌کنیم:

1- با بازگشت اداره ترامپ به قدرت در یک دوره جدید در سال 2025م او طرح پیشین خود موسوم به «توافقات ابراهیم» را با خود آورد؛ طرحی که دربردارنده وعده‌های «عادی‌سازی روابط» و نیز وعده‌های تازه برای قدرت دادن به رژیم یهود جهت سلطه بر منطقه و سپردن بخشی بزرگ از منافع آمریکا در این حوزه به آن می‌باشد. از همین‌رو، مذاکراتی که در 2026/4/14م در واشنگتن میان رژیم یهود و عوامل وابسته به آمریکا در لبنان آغاز شد، تنها یک توافق امنیتی برای توقف جنگ و کاهش ویرانی‌ها نیست؛ آن‌گونه که حکومت لبنان تبلیغ می‌کند؛ بلکه در واقع گام عملی برای ورود کامل به روند عادی‌سازی با رژیم یهود در چارچوب پروژه ترامپ است.»

با آن‌که این دیدار «نخست» در سطح سفیران برگزار شد، اما ترامپ، برای ایجاد فضای سیاسی و به حرکت انداختن روند، اعلام کرد که رئیس‌جمهور لبنان، جوزف عون و نخست‌وزیر رژیم یهود، بنیامین نتانیاهو، تماس تلفنی برقرار خواهند کرد و اشاره نمود که چنین ارتباطی طی دهه‌های طولانی سابقه نداشته است (24 i 2026/4/16). هنگامی که این تماس انجام نشد، ترامپ بر تداوم این روند اصرار ورزید؛ چنان‌که وزیر خارجه آمریکا با رئیس‌جمهور لبنان تماس گرفت و سپس خود ترامپ نیز مستقیماً با وی گفتگو کرد؛ امری که عوامل وابسته به آمریکا در لبنان با آن، به‌گونه‌ای گسترده فخر فروختند.

پس از آن، ترامپ اعلام کرد که گام دیپلماتیک و بی‌سابقه در پیش است و قصد دارد نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو و رئیس‌جمهور لبنان جوزف عون را در کاخ سفید میزبانی کند (اخبار سعودی، 2026/4/16). با وجود تکذیب محتاطانه لبنان، گشودن مسیر عادی‌سازی با رژیم یهود بسیار نزدیک شده است.

2- سپس اظهارات جوزیف عون و نخست‌وزیر او در این زمینه ادامه یافت:

الف) در سخنرانی‌ای که خطاب به مردم لبنان ایراد کرد، جوزف عون چنین توضیح داد: «با صراحت و اطمینان کامل به شما می‌گویم: این مذاکرات نه از سر ضعف است، نه عقب‌نشینی و نه امتیازدهی، بلکه تصمیمی است برخاسته از ایمان ما به حق خود، از دل‌سوزی ما نسبت به مردم‌مان و از مسئولیت ما در حفاظت از کشورمان با تمام ابزارها؛ به خصوص از این‌رو که نمی‌خواهیم برای هیچ‌کس جز لبنان جان بدهیم. مذاکرات هرگز به معنای چشم‌پوشی از هیچ حقی، یا دست کشیدن از هیچ اصلی و یا خدشه‌دار کردن حاکمیت این کشور نیست. ما هزاران لبنانی را از دست داده‌ایم؛ آنان فرزندان ما هستند و هرگز آنان را فراموش نخواهیم کرد و من اجازه نخواهم داد که پس از امروز حتی یک لبنانی دیگر جان خود را از دست بدهد یا خون‌ریزی از میان خانواده و مردم ما به‌خاطر منافع نفوذ دیگران یا محاسبات محورهای قدرت نزدیک یا دور ادامه یابد.» (این‌دپندنت عربی، 18/4/2026).

ب) اما نخست‌وزیر نواف سلام، در یک کنفرانس خبری مشترک با رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، چنین اظهار داشت: «او به همکاری و کمک همه‌شکای لبنان نیاز خواهد داشت، در حالی‌که گفتگوهای مستقیم در سطح سفیران در اواخر همین هفته در واشنگتن ادامه می‌یابد.» وی افزود: «ما این مسیر را ادامه می‌دهیم؛ بر اساس این باور که دیپلماسی نشانه ضعف نیست؛ بلکه یک اقدام مسئولانه است تا هیچ راهی بدون بررسی باقی نماند، برای بازگرداندن حاکمیت کشورم و حفاظت از مردم آن.» (این‌دپندنت عربی، 2026/4/21).

ج) سپس جوزف عون بر نقش عربستان سعودی به‌عنوان حامی خود تکیه کرد؛ چنان‌که در روزنامه «الریاض» آمده است: «جوزف عون از نقش عربستان سعودی تمجید نمود و از تلاش‌های شاهزاده محمد بن سلمان، ولی‌عهد و رئیس شورای وزیران، قدردانی کرد و تأکید نمود که این تحرکات با حکمت و توازن همراه بوده است... تلاش‌های سعودی بر مواضع ثابت استوار بوده که بر حمایت از مردم لبنان، به خصوص در شرایط دشواری که تشدید نظامی اخیر تحمیل کرده، مبتنی است، همچنان تعهد پادشاهی به حمایت از تمامی ابتکاراتی که در پی تثبیت آتش‌بس است، برجسته بوده و در کنار آن، برای فعال‌سازی راه‌حل‌های دیپلماتیک پایدار که تحقق صلح و حفظ ثبات لبنان را تضمین می‌کند، تلاش صورت گرفته است.» (روزنامه‌الریاض، 2026/4/19)

3) سپس، با وجود توافق آتش‌بس با ایران، رژیم یهود از توقف جنگ با حزب در لبنان خودداری کرد؛ پس از برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای با ایران، نخست‌وزیر این رژیم اعلام نمود که لبنان شامل این آتش‌بس نمی‌شود. برای اثبات این موضع، در همان روز اول آتش‌بس با ایران، جنگنده‌های رژیم یهود حملات شدید هوایی را بر بیروت و مناطق مختلف لبنان انجام دادند.

بر اساس گزارش‌ها: «اسرائیل شدیدترین حملات هوایی خود را بر لبنان از زمان آغاز درگیری با گروه حزب‌الله در ماه گذشته اجرا کرد، با وجود آن‌که این گروه مورد حمایت ایران، پس از توافق آتش‌بس دو هفته‌ای میان آمریکا و ایران، حملات خود را بر شمال اسرائیل و نیروهای اسرائیلی در لبنان متوقف کرده بود.» همچنان وب‌سایت خبری آکسیوس به نقل از کارولاین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، گزارش داد که «لبنان بخشی از توافق آتش‌بس میان ایالات متحده و ایران نیست.» (فرانس 24، 2026/4/8م).

4) در پرتو این موضع آمریکا، لحن اظهارات عوامل وابسته به آمریکا در لبنان علیه حزب وابسته به ایران شدت گرفته است، به‌گونه‌ای که خطرات بروز جنگ داخلی را می‌رساند؛ از جمله: «نخست‌وزیر لبنان نواف سلام، روز سه‌شنبه اعلام کرد که حکومت در پی رویارویی با گروه "حزب‌الله" نیست، اما در عین حال اجازه نخواهد داد که این گروه آن را تحت فشار و تهدید قرار دهد، در حالی‌که گفتگوهای مستقیم با "اسرائیل" برای پایان دادن به جنگ ادامه دارد.» (این‌دپندنت عربی، 2026/4/21م).

به این معنا که رژیم یهود و حکومت لبنان، به‌صورت جداگانه، در پی خلع سلاح این حزب ایرانی هستند.

5) اما با تداوم فشار ایران برای شامل شدن لبنان در آتش‌بس، آمریکا سرانجام با توقف درگیری در لبنان موافقت کرد؛ در حالی‌که پیش از آن مخالف بود؛ چنان‌که «رئیس‌جمهور آمریکا آتش‌بسی ده‌روزه را در لبنان اعلام کرد.» (RT، 2026/4/16م)

امریکا این آتش‌بس را ابزاری برای سوق دادن لبنان به سوی عادی‌سازی روابط می‌داند. ترامپ در این باره گفت: «من به‌تازگی گفتگوهای بسیار خوبی با رئیس‌جمهور محترم لبنان، جوزف عون و نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، داشتم.» وی افزود: «این دو رهبر توافق کرده‌اند که برای تحقق صلح میان دو دولت شان، به‌طور رسمی یک آتش‌بس ده‌روزه را آغاز کنند که از ساعت پنج عصر به وقت شرق ایالات متحده آغاز خواهد شد.»

او همچنان اشاره کرد که «دو دولت برای نخستین بار پس از 34 سال، روز سه‌شنبه در واشنگتن با وزیر خارجه ما، مارکو روبیو دیدار کردند.»

ترامپ تأکید نمود که معاون خود، جی‌دی ونس و وزیر خارجه روبیو، به‌همراه رئیس ستاد مشترک، دان کین، مأمور شده‌اند تا با "اسرائیل" و لبنان برای دستیابی به صلحی پایدار همکاری کنند.

وی در پایان گفت: «برای من افتخار بوده که در پایان دادن به 9 جنگ در جهان سهم داشته‌ام و این جنگ دهم خواهد بود؛ پس بیاوید آن را نیز به انجام برسانیم.» (روزنامه‌الواء مصر، 2026/4/25)

6) سپس ترامپ تمدید آتش‌بس میان رژیم یهود و لبنان را برای سه هفته اعلام کرد: «دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، روز پنج‌شنبه گفت که آتش‌بس میان اسرائیل و لبنان برای سه هفته تمدید خواهد شد. ترامپ در پستی در حساب خود در تروث سوشال افزود که این تصمیم پس از نشستی اتخاذ شد که روز پنج‌شنبه در دفتر بیضوی برگزار گردید؛ نشستی که در آن رئیس‌جمهور امریکا، معاونش جی‌دی ونس، وزیر خارجه ایالات متحده مارکو روبیو، سفیر واشنگتن نزد اسرائیل مایک هاگابی و سفیر امریکا در لبنان، میشل عیسی، حضور داشتند.» (اسکای‌نیوز عربی، ۲۴/۴/۲۰۲۶م).

اما با وجود این، حملات همچنان ادامه دارد! «اسرائیل به حملات خود بر جنوب لبنان ادامه می‌دهد...» (RT) عربی، ۲۰۲۶/۴/۳۰م) همچنان «ارتش اسرائیل طی دو روز گذشته سلسله حملات گسترده‌ای را انجام داد که در نتیجه آن ده‌ها تن قربانی شدند، مقام‌های لبنانی از کشته‌شدن حدود ۲۹ تن و زخمی‌شدن ده‌ها نفر در ۸۴ حمله گوناگون اسرائیلی خبر دادند؛ حملاتی که شامل حملات هوایی، گلوله‌باران توپخانه‌ای و انفجار ساختمان‌های مسکونی بود.» (الجزیره، ۲۰۲۶/۵/۱). امروز نیز «ارتش اشغالگر اعلام کرد که شب گذشته حملاتی را انجام داده که بیش از ۵۰ موقعیت را در جنوب لبنان هدف قرار داده است.» (الجمهور، ۲۰۲۶/۵/۲م)

پس امریکا می‌خواهد مذاکرات بر اساس غرور و زورگویی امریکایی، یعنی «صلح از طریق قدرت» پیش برود. برای همین، رژیم یهود در روستاهای لبنانی‌ای که اشغال کرده، پایگاه‌های تازه‌ای برای ارتش خود ایجاد می‌کند و اعلام می‌دارد که این مناطق، منطقه حایل در برابر تهدیدات حزب و وابسته به ایران است؛ یعنی همان سناریوی غزه با حماس و «خط زرد» را تکرار می‌کند.

۷) بدین‌گونه، حکام لبنان و سایر حکام سرزمین‌های اسلامی، به‌جای آزادسازی فلسطین و نابودی رژیم یهود، در پی عادی‌سازی روابط با آن هستند و با امریکا و رژیم یهود برای تضمین امنیت این رژیم توطئه می‌کنند. این حکام خطر وابستگی و دوستی با کفار را درک نمی‌کنند؛ در حالی که این کار، خواری در دنیا و عذاب دردناک در آخرت است:

﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُنَّ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ [نساء: 139]

ترجمه: کسانی که کافران را به‌جای مؤمنان به دوستی می‌گیرند، آیا عزت را نزد آنان می‌جویند؟ بی‌گمان عزت همه از آن الله (سبحانه و تعالی) است.

آنان درک نمی‌کنند که دولت‌های کافر در درجه نخست به‌دنبال منافع خود اند و شب و روز دشمنی با اسلام و مسلمانان را در دل دارند، اگر نسبت به دولتی که در مدار آنان می‌چرخد، یا حتی نسبت به یکی از مزدوران خود، اندکی رضایت نشان دهند، این به معنای خیرخواهی نیست؛ بلکه در نهان و آشکار برای آنان شر می‌خواهند. اگر این حاکمان، چه آنان که در مدار این قدرت‌ها می‌چرخند و چه آنان که مزدور مستقیم آنان‌اند، می‌فهمیدند که امریکا هرگاه منافعش اقتضا کند، هیچ ارزشی برای آنان قابل نمی‌شود و آنان را کنار می‌زند، از حوادث تاریخ عبرت می‌گرفتند؛ چه بسیار وابستگی‌هایی که امریکا پس از پایان یافتن نقش‌شان در خدمت به منافعش، آنان را ساقط کرد. اگر این حاکمان عقل می‌داشتند، کفار را مانند هسته خرما از دهان بیرون می‌افکندند؛ اما آنان کر، گنگ و کورند و باز نمی‌گردند.

وابستگی آنان به کفار استعمارگر به جایی رسیده که بر هر سرزمین‌شان تجاوز می‌شود، اما دیگران برای یاری آن هیچ حرکتی نمی‌کنند؛ بلکه بهترین‌شان کسی است که فقط کشته‌ها و زخمی‌ها را می‌شمارد! اصل درباره مسلمانان این است که آنان امت واحده‌اند؛ صلح‌شان یکی و جنگ‌شان یکی است. پس تجاوز بر هر بخشی از آن، تجاوز بر همه امت است، با آن‌که بر هر بخشی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد. واجب است در برابر تجاوز مقاومت کند، اما این به‌تنهایی مشکل را حل نمی‌کند. سپاه پاسداران در ایران مقاومت می‌کند و حزب و وابسته به آن در لبنان نیز مقاومت می‌کند؛ اما همه این‌ها مشکل را حل نخواهد کرد، مگر زمانی که خلافت برپا باشد؛ خلافتی که دین الله سبحانه و تعالی را یاری کند و احکام او را تطبیق نماید، و از سوی الله سبحانه و تعالی یاری شود، دنیا را با عدالت و جهاد خود روشن سازد و الله سبحانه و تعالی آن را به نصرت خود گرامی بدارد.

۸) این همان چیزی است که امت را نجات می‌دهد، عزت آن را بازمی‌گرداند، قدرت آن را استوار می‌سازد و دشمنانش را وامی‌دارد پیش از هر تجاوزی هزار بار فکر کنند. این تنها با بازگشت دوباره خلافت تحقق می‌یابد تا زمین با خیر و عدالت آن روشن گردد، همان‌گونه که خلافت در گذشته غرور و سرکشی قیصرها و کسراها را در هم شکست، سرکشی پیروان امروز

آنان، مانند ترامپ طغیانگر و امثال او از کفار استعمارگر، را نیز در هم خواهد شکست؛ اما رژیم یهود کوچکتر از آن است که برای آن وزنی قایل شد؛ زیرا همان‌گونه که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿لَنْ يَضُرُّوَكُمْ إِلَّا أَدَىٰ وَإِنْ يَفَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ﴾ [آل عمران: 111]

ترجمه: آنان جز آزار اندکی، هرگز به شما زیانی نمی‌رسانند و اگر با شما بجنگند، پشت خواهند کرد؛ سپس یاری نمی‌شوند. این رژیم به‌تنهایی توان پایداری ندارد و اهل جنگ نیست، مگر با تکیه بر ریسمانی از مردم؛ چنان‌که الله قوی و عزیز فرموده است:

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ [آل عمران: 112]

ترجمه: خواری بر آنان زده شده است، هر جا که یافت شوند؛ مگر با پیمانی از سوی الله (سبحانه و تعالی) و پیمانی از سوی مردم.

آنان ریسمان الله سبحانه و تعالی را بریده‌اند و تنها ریسمان مردم برای‌شان باقی مانده است؛ یعنی حمایت امریکا، اروپا و مزدوران آنان از میان حکام خائن در سرزمین‌های اسلامی؛ حاکمانی که در برابر تجاوز و حشيانه یهود هیچ حرکتی نمی‌کنند. پس مشکل در دولت‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی امروز است؛ زیرا حاکمان آن‌ها وابسته به کفار استعمارگر، دشمنان اسلام و مسلمانان‌اند.

بدین ترتیب، مصیبت مسلمانان در حاکمان‌شان است، در وابستگی آنان به کفار استعمارگر که به فرمان آنان حرکت می‌کنند و با نهی آنان باز می‌ایستند، به‌جای آن‌که ولای‌شان برای الله سبحانه و تعالی باشد؛ احکام او را برپا سازند، در راه او جهاد کنند و به رسول الله صلی الله علیه و سلم اقتدا نمایند تا اسلام و مسلمانان، عزیز گردند و کفر و کافران خوار شوند:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: و در آن روز مؤمنان شادمان می‌شوند؛ به سبب یاری الله (سبحانه و تعالی)، او هر که را بخواهد یاری می‌کند و او شکست‌ناپذیر و مهربان است.

15 ذی‌القعدة 1447 هـ.ق.

2 جنوری 2026 م.

مترجم: مصطفی اسلام